فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی۱، تابستان۹٤، صفحات ۹۷-۱۲۱

دین و سرمایه‌ی اجتماعی:
مطالعه‌ی رابطه‌ی مشارکت در اجتماعات دینی و سرمایه‌ی اجتماعی

محمّدتقی عبّاسی شوازی[۱]، فرشاد کرمی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۳۱

چکیده

امروزه مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به یکی از مفاهیم با غنای نظری مناسب و ذخیره‌ی پژوهشی گسترده در جامعه‌شناسی تبدیل شده و به دلیل ارتباط با شاخص‌های متعدّد توسعه در جامعه مورد توجّه بسیاری از سیاست‌گذاران اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است. تحقیق حاضر با درک این مسأله و با هدف مطالعه‌ی رابطه‌ی مشارکت در اجتماعات دینی و سرمایه‌ی اجتماعی در میان شهروندان، با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه انجام شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق همهٔ افراد سنین میان ۱۵ تا ۵۹ سال شهر شیراز بوده‌اند که نمونه‌ای ۴۱۰ نفره با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و به‌طور تصادفی انتخاب شده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که میان شرکت در اجتماعات دینی و ابعاد مختلف سرمایه‌ی اجتماعی همچون انسجام اجتماعی، اعتماد درون‌گروهی و اعتماد نهادی، هم‌بستگی مثبت و معناداری وجود دارد که در این میان بیش‌ترین هم‌بستگی با اعتماد نهادی بوده است؛ این بدان معناست که با افزایش مشارکت افراد در اجتماعات دینی، سرمایه‌ی اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. البتّه در این تحقیق رابطه‌ی معناداری میان مشارکت در اجتماعات دینی و مشارکت اجتماعی مشاهده نشده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود محقّقان در تحقیقات آتی، به تحلیل محتوای پیام‌هایی که در اجتماعات دینی ارائه می‌شود و می‌تواند بر ابعاد مختلف سرمایه‌ی اجتماعی اثرگذار باشد، نیز توجّه کنند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی، دین، اجتماعات دینی، انسجام اجتماعی، اعتماد درون‌گروهی، اعتماد نهادی.

[۱] استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده‌ی مسؤول) mtabbasi@rose.shirazu.ac.ir

[۲] دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران farshadkarami214@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مقدّمه

سرمایه‌ی اجتماعی مفهومی است که نخستین بار هانی‌فان[۱] در مقاله‌ی خود در سال ۱۹۱۶ آن را به حسن نیّت، مشارکت، هم‌دردی و روابط متقابل اجتماعی تعریف کرد (فار[۲]، ۲۰۰۴). جین جاکوب[۳] نیز این مفهوم را در سال ۱۹۶۱ در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» برای توضیح شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌ی حومه‌ی قدیمی و مختلط شهری به‌کار برد؛ این اصطلاح در دهه‌ی ۱۹۷۰ از سوی گلن لوری[۴] برای توصیف مشکل توسعه‌ی اقتصاد درون‌شهری به‌کار رفت. جیمز کلمن[۵]، جامعه‌شناس آمریکایی، نیز در دهه‌ی ۱۹۸۰ در معنای وسیع‌تری این اصطلاح را به‌کار برد و در سال‌های اخیر رابرت پاتنام[۶] بحث قوی و پرشوری را درباره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و جامعه‌ی مدنی هم در ایتالیا و هم در ایالات‌متحده برانگیخت (فوکویاما[۷]، ۱۳۸۵). اصطلاح «سرمایه‌ی اجتماعی» به‌طور کلّی به معنای هر نوع از روابط اجتماعی است که برای قادر ساختن اعضای جامعه، به منظور همکاری با یکدیگر برای به انجام رساندن اهداف جمعی به‌کار گرفته می‌شود (اسمیت[۸]، ۲۰۰۳: ۲). پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی را به‌عنوان وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی همچون اعتماد، هنجار و شبکه‌ها می‌داند که با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ می‌توانند کارایی جامعه را بهتر کنند (اوگور[۹]، ۲۰۰۷).

در گذشته تأکید اصلی بر سرمایه‌ی مادّی و فیزیکی بوده است، امّا امروزه در کنار سرمایه‌های مالی، اقتصادی و انسانی، از سرمایه‌ی دیگری با عنوان سرمایه‌ی اجتماعی بهره‌برداری شده است (علینی، ۱۳۹۱: ۲۸). محقّقان اجتماعی از جنبه‌های گوناگونِ اقتصادی (مینانی[۱۰]، رورما[۱۱] و لیبیلی[۱۲]، ۲۰۱۳؛ گیوئیسو[۱۳]و ساپینزا[۱۴] و زینگالس[۱۵]، ۲۰۰۰)، اجتماعی (لئونگ[۱۶]، کایر[۱۷]، فانگ[۱۸] و

[1] Hanifan
[2] Farr
[3] Jane Jacob
[4] Glenn Loury
[5] James Coleman
[6] Robert Putnam
[7] Fukoyama
[8] Smidt
[9] Ugur
[10] Minani
[11] Rurema
[12] Lebailly
[13] Guiso
[14] Sapienza
[15] Zingales
[16] Leung
[17] Kier
[18] Fung

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

اسپروله[1]، ۲۰۱۳؛ پورتس[2]، ۲۰۰۰)، فرهنگی (لیو[3] و دیگران، ۲۰۱۴) و سیاسی (نانی‌سینی[4]، استلا[5]، استلا[5]، تابلینی[6] و تروئیانو[7]، ۲۰۱۳) به بیان اهمّیّت و اثرگذاری سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته‌اند. در در واقع، اهمّیّت سرمایه‌ی اجتماعی به حدّی است که فوکویاما زندگی در جامعه‌ی دارای سرمایه‌ی اجتماعی را ساده دانسته، نارسایی‌ها و مشکلات رو به رشد کشورهای غربی را ناشی از فرسایش و تحلیل رفتن سرمایه‌ی اجتماعی می‌داند (فوکویاما، ۱۳۸۵). امروزه سرمایه‌ی اجتماعی، نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه‌ی فیزیکی و انسانی در جوامع ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که در غیاب سرمایه‌ی اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شود؛ از این رو، موضوع سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان یک اصل محوری برای دست‌یابی به توسعه به‌شمار می‌آید. (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۳). تحقیقات انجام‌شده در ایران درباره‌ی وضعیّت سرمایه‌ی اجتماعی چندان امیدبخش نیست و فرسایش و کمبود سرمایه‌ی اجتماعی را در ابعاد گوناگون نشان می‌دهد؛ محقّقان (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳؛ موسوی ۱۳۸۵؛ رنانی، ۱۳۸۱؛ تحقیقی، ۱۳۸۲؛ متوسّلی و بی‌نیاز، ۱۳۸۲؛ قاسمی، اسماعیلی و ربیعی، ۱۳۸۵) طی مطالعات جداگانه به این نتیجه رسیده‌اند که هرچند در برخی شاخص‌های جزئی سرمایه‌ی اجتماعی می‌توان وضعیّت مطلوبی را مشاهده کرد، امّا در مجموع نتایج پژوهش‌های انجام‌شده مؤیّد آن است که سرمایه‌ی اجتماعی در ایران در وضعیّت مطلوبی قرار ندارد (قاسمی، ۱۳۹۰).

بدیهی است تکوین سرمایه‌ی اجتماعی مستلزم وجود عواملی است که یکی از آن‌ها می‌تواند دین و فرهنگ دینی جامعه باشد که چندان توجّهی به آن نشده است. دین به‌عنوان بخش مهمّی از سنّت هر جامعه و به‌ویژه جامعه‌ی دینی ایران می‌تواند نه تنها در ایجاد، بلکه در گسترش سرمایه‌ی اجتماعی نقش داشته باشد که این امر مورد غفلت بسیاری از محقّقان و سیاست‌گذاران اجتماعی قرار گرفته است. به‌نظر می‌رسد دین به‌عنوان ارزش متعالی با کارکردهایی چون انضباط‌بخشی، حیات‌بخشی، انسجام‌بخشی، ارتباط‌بخشی میان مؤمنان، ارائه‌ی گزاره‌های اخلاقی برای اعتماد و ... سازوکارهایی را فراهم می‌آورد که در قالب آن‌ها سرمایه‌ی اجتماعی شکل می‌گیرد. بنابراین رابطه‌ی دین و سرمایه‌ی اجتماعی از منظر تأثیری که دین بر فرایند توسعه دارد نیز حائز اهمّیّت

[1] Sproule
[2] Portes
[3] Liu
[4] Nannicini
[5] Stella
[6] Tabellini
[7] Troiano

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

است (کتابی، گنجی، احمدی و معصومی، ۱۳۸۳). شواهد متعدّد در سطح دنیا و در میان ادیان مختلف، بیانگر آن است که دین می‌تواند موتوری مولّد برای سرمایه‌ی اجتماعی باشد (لیخترمن[۱]، ۲۰۱۵؛ بیدختی و شریفی، ۱۳۹۲؛ جئونگ[۲]، ۲۰۱۰؛ ولش[۳]، سیکینگ[۴]، سارتین[۵] و باند[۶]، ۲۰۰۴؛ بان[۷] بان[۷] و وود[۸]، ۲۰۰۴؛ نوریس[۹] و اینگلهارت[۱۰]، ۲۰۰۴).

پاتنام در این زمینه اظهار می‌دارد که «اجتماعات دینی که در آن مردم با هم عبادت می‌کنند، مسلّماً به تنهایی مهم‌ترین منبع سرمایه‌ی اجتماعی در آمریکا هستند» (پاتنام، ۲۰۰۱: ۶۶). حال با توجّه به این که آموزه‌های دین اسلام آموزه‌هایی اجتماعی است که افراد را به حضور در جامعه- و نه به انزوا- دعوت می‌کند؛ کار و تلاش را عبادت می‌داند؛ ایجاد و تقویت ارتباطات میان واحدهای مختلف اجتماعی همچون خانواده، همسایه و برادران مسلمان را در قالب‌هایی مانند صله‌ی رحم، عبادات جمعی به‌ویژه نماز جماعت، مودّت، حسن ظن به برادر دینی، اصل بر برائت بودن در روابط اجتماعی، رعایت حق‌النّاس، احترام به والدین و حرمت غیبت و تهمت و... تجویز و تشویق می‌کند و از مؤمنان می‌خواهد که در کنار هم و به صورت جمعی عبادات خود را انجام دهند، این آموزه‌ها و مناسک جمعی می‌تواند به پیدایی و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی منجر شود. بنابراین، دین می‌تواند با ایجاد شبکه‌ی روابط میان پیروان خود مبنایی برای تولید و قوام سرمایه‌ی اجتماعی باشد. به‌نظر می‌رسد تغییر در کیفیّت روابط میان پیروان یک دین، به تغییر در سطح برخورداری از سرمایه‌ی اجتماعی منجر شود. هم‌چنین با توجّه به تأثیری که دین می‌تواند بر چگونگی روابط میان آدمیان- که دغدغه‌ی خاطر اندیشه‌ورزان حوزه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی است- داشته باشد، ضرورت تبیین دقیق و علمی تأثیر شرکت در اجتماعات دینی بر سرمایه‌ی اجتماعی روشن می‌شود. این مقاله با رویکردی بومی و محلّی به دنبال منابع، فرایندها و پدیده‌هایی در فرهنگ دینی و سنّتی جامعه ایران است تا نشان دهد که آیا می‌توان با تکیه بر داشته‌های بومی و سنّتی نیز به ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی کمک کرد؟ یا این که سرمایه‌ی اجتماعی سراسر فرایندهای مدرن می‌طلبد؟ بنابراین، در این مطالعه کوشیده‌ایم علاوه بر سنجش میزان سرمایه‌ی

[1] Lichterman
[2] Jeong
[3] Welch
[4] Sikkink
[5] Sartain
[6] Bond
[7] Bu nn
[8] Wood
[9] Norris
[10] Inglehart

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

اجتماعی افراد و میزان مشارکت آنان در اجتماعات دینی، رابطه‌ی این دو متغیّر را نیز مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

پیشینه‌ی تحقیق

اهمّیّت سرمایه‌ی اجتماعی و گسترش آسیب‌های اجتماعی ناشی از سطح نازل آن، همواره محقّقان را بر آن داشته تا به مطالعه درباره‌ی عوامل مؤثّر بر پیدایی یا حفظ سرمایه‌ی اجتماعی بپردازند. در این میان دین نیز به‌عنوان یکی از متغیّرهای اساسی چه در داخل و چه خارج از کشور مورد توجّه قرار گرفته است که در زیر برخی از این تحقیقات را بررسی می‌کنیم.

بیدختی و شریفی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «دینداری و سرمایه‌ی اجتماعی حامی امنیّت اجتماعی» که در میان ۳۳۴ نفر از دانشجویان مؤسّسات غیرانتفاعی و غیردولتی شهر سمنان انجام شده، به این نتیجه رسیده‌اند که مؤلّفه‌های سازه‌ی دینداری یعنی مؤلّفه‌های اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی از اثر معنادار و مثبتی در شکل‌گیری و کسب ابعاد سه‌گانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی برخوردارند. به نظر نویسندگان، دینداری می‌تواند شبکه‌ی اعتمادی در میان افراد ایجاد کرده، روابط درون‌گروهی و برون‌گروهی را انسجام بخشد و کارکردی مانند سرمایه‌ی اجتماعی داشته باشد. هم‌چنین افرادی که خود را درگیر بعد مناسکی می‌کنند، دارای تعاملات و سرمایه‌ی اجتماعی بیش‌تری هستند. به‌علاوه، افرادی که دیندارترند با دیگران بیش‌تر تعامل و ارتباط دارند و این امر خود موجب بهبود اعتماد و مشارکت گروهی و در نتیجه افزایش سطح سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه می‌شود.

افشانی، عسکری ندوشن، حیدری و نجف‌آبادی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «رابطه‌ی دینداری با سرمایه‌ی اجتماعی در شهر نجف‌آباد» که در میان ۲۲۴ نفر از افراد ۱۵ سال و بالاتر شهر نجف‌آباد انجام شده، به این نتیجه رسیده‌اند که میان ابعاد مختلف دینداری و مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد. هم‌چنین ابعاد فکری و مناسکی سازه‌ی دینداری، قوی‌ترین هم‌بستگی مستقیم را با ابعاد مختلف سرمایه‌ی اجتماعی دارند.

قاسمی و امیری اسفرجانی (۱۳۹۰) تحقیقی را با موضوع «تبیین جامعه‌شناختی تأثیر دینداری بر سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی» در شهر اصفهان و در میان نمونه‌ی ۳۸۴ نفری از افراد بالای ۱۵ سال این شهر انجام داده‌اند که نتایج آن حاکی از این است که اکثر افراد نمونه به لحاظ سطح دینداری و سرمایه‌ی اجتماعی در سطح متوسّط و بالا و تنها درصد کمی از آن‌ها در سطح ضعیف

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

قرار داشته‌اند. آزمون فرضیّات تحقیق نشان می‌دهد که میان میزان انجام مناسک دینی و سرمایه‌ی اجتماعی، ارتباط معناداری وجود دارد. هم‌چنین فرض معنادار بودنِ رابطه‌ی دینداری افراد با سرمایه‌ی اجتماعی آن‌ها نیز تأیید شده است.

استورم[1] (۲۰۱۴) نیز مطالعه‌ای را با عنوان «مشارکت مدنی در بریتانیا: نقش دین و ارزش‌های عمومی» انجام داده است. او در این مطالعه، دو مجموعه داده از پیمایش ارزش‌های اروپا در سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۸ و پیمایش انتخابات اقلیّت‌های قومی در بریتانیا (۲۰۱۰) را مورد استفاده قرار داده است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که دین عمدتاً کارهای داوطلبانه را از طریق برقراری پیوندهایی درون‌گروهی افزایش می‌دهد نه از طریق شبکه‌ی اجتماعی بین‌گروهی. هم‌چنین دیگر یافته‌ها حاکی از آن است که در ادیان غیرمسیحی، مراسم مذهبی انفرادی و جمعی هر دو ممکن است بر مشارکت مدنی اثر بگذارند، امّا در حالی که اثر حضور در مراسم از طریق وساطت شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی است، اثر نماز از طریق وساطت شبکه‌های بین‌گروهی است.

لیم[2] و پاتنام (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان «دین، شبکه‌های اجتماعی و رضایت از زندگی» که با با استفاده از داده‌های یک مطالعه در سال‌های ۲۰۰۶ -۲۰۰۷ در آمریکا به‌دست آمده، به این نتیجه رسیده‌اند که افراد مذهبی از زندگی خود رضایت بیش‌تری دارند؛ زیرا آن‌ها به‌طور منظّم در مراسم مذهبی شرکت می‌جویند و با حضّارِ کلیساهای خود، شبکه‌ی اجتماعی ایجاد می‌کنند. این مطالعه شواهد اندکی از تأثیر جنبه‌های خصوصی یا ذهنی دینداری که رضایت از زندگی را مستقل از حضور و دوستی با حضّارِ کلیسا تحت تأثیر قرار دهد، یافته است.

جئونگ (۲۰۱۰) در تحقیقی تحت عنوان «چگونه تأثیر ادیان مختلف بر سرمایه‌ی اجتماعی متفاوت است؟ (مطالعه‌ی موردی کره جنوبی)»، دو بعد از سرمایه‌ی اجتماعی یعنی مشارکت مدنی و اعتماد بین فردی را مورد مطالعه قرار داده است. او در این مطالعه که حاصل تجزیه و تحلیل رگرسیون با استفاده از داده‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۲ ارزش‌های جهانی است، نشان داده که مسیحیّت، مشارکت مدنی را افزایش می‌دهد، در حالی که بودیسم بر مشارکت مدنی تأثیری ندارد. هم‌چنین بنا بر یافته‌های او، اعتماد بین فردی تحت تأثیر وابستگی دینی نیست.

[1] Storm
[2] Lim

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

استرومسنس[1] (۲۰۰۸) تحقیقی را با عنوان «اهمّیّت حضور در کلیسا و عضویّت در سازمان‌های داوطلبانه‌ی دینی برای شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی» انجام داده است. او در این تحقیق از داده‌های پیمایشی که به‌طور تصادفی از ۵۰۰۰ شهروند ۱۸ تا ۸۴ ساله‌ی نروژی در سال ۲۰۰۱ جمع‌آوری شده بود، استفاده کرده و نشان داده است که مشارکت دینی به‌طور مثبت با مشارکت سیاسی، اعتماد و مدارای اجتماعی هم‌بستگی دارد. هم‌چنین پس از کنترل متغیّرهای زمینه‌ای دیگر مشخّص شد که عضویّت در سازمان‌های داوطلبانه‌ی مذهبی تأثیری بر اعتماد اجتماعی و تحمّل گروه‌های دیگر در جامعه ندارد.

اِبستاین کینگ[2] و فاروو[3] (۲۰۰۸) در تحقیقی موسوم به «دین به‌عنوان یک منبع برای پیشرفت مثبت جوانان: دین، سرمایه‌ی اجتماعی و پیامدهای اخلاقی» که بر اساس نمونه‌ی ۷۳۵ نفری از جوانان شهری در لس‌آنجلس[4] انجام شده است، نتیجه گرفته‌اند جوانانی که از نظر دینی فعّالند، دارای سطح بالاتری از منابع سرمایه‌ی اجتماعی هستند و تأثیر دین نوجوانان در نتایج اخلاقی آن‌ها به‌واسطه‌ی منابع سرمایه‌ی اجتماعی است.

چارچوب نظری

سرمایه‌ی اجتماعی مفهوم نسبتاً جدیدی در علوم اجتماعی است و به‌طور خلاصه به معنای هنجارها و شبکه‌هایی است که امکان مشارکت مردم را در اقدامات جمعی برای کسب سود متقابل فراهم می‌کند. این مفهوم را بیش‌تر با سطح اعتماد اجتماعی و میزان عضویّت در انجمن‌های رسمی و غیررسمی می‌سنجند. سرمایه‌ی اجتماعی، مفهومی ترکیبی است که موجودی یا میزان این هنجارها و شبکه‌ها را در یک جامعه و در یک مقطع زمانی خاص تشریح می‌کند (تاجبخش، ثقفی و کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۳). بری ولمن[5] و شری بارترم[6] معتقدند که حداقل دو استفاده‌ی متفاوت از اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی وجود دارد که یکی از آن‌ها از سوی پاتنام به‌کار گرفته شده است؛ پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی را به‌عنوان کیفیّت گروه در نظر می‌گیرد که بخشی از آن فرهنگی و بخشی دیگر اجتماعی- ساختاری است. افرادی چون فوکویاما (۱۹۹۵)، لوری (۱۹۸۷)، هانی‌فان

[1] Stromsnes
[2] Ebstyne King
[3] Furrow
[4] Los Angeles
[5] Barry Wellman
[6] Sherry Bartram

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

(۱۹۲۰) و جاکوب (۱۹۶۱) نیز دارای چنین اندیشه‌ای بوده‌اند. برخی دیگر چون بارت[1] (۱۹۹۲) سرمایه‌ی اجتماعی را به‌مثابه ارزش روابط اجتماعی افراد می‌دانند. در ادبیّات حمایت اجتماعی از دهه‌ی ۱۹۷۰ این موضوع که روابط فرد با دیگران، منبعی مهم برای حمایت عینی و ذهنی است، اصلی بدیهی به‌شمار می‌آید. بیانی رسمی‌تر از این دیدگاه از سوی لین[2] (۱۹۸۶) با عنوان نظریّه‌ی «منابع اجتماعی[3]» توسعه یافته است (بورگاتی[4]، جونز[5] و اوریت[6]، ۱۹۹۸).

بوردیو[7] سه نوع سرمایه‌ی اجتماعی را از یکدیگر باز می‌شناسد و آن‌ها را تحت عنوان سرمایه‌ی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تقسیم‌بندی می‌کند. وی سرمایه‌ی اجتماعی را منبع سرمایه‌ی فرهنگی می‌داند. از نظر او مقصود از سرمایه‌ی اجتماعی، منافع و منابعی است که افراد از طریق عضویّت در شبکه‌ها به‌دست می‌آورند و قابل تبدیل شدن به سرمایه‌ی اقتصادی است (علینی، ۱۳۹۱). به اعتقاد کلمن، سرمایه‌ی اجتماعی با کارکرد آن تعریف می‌شود. به باور وی، سرمایه‌ی اجتماعی شیء واحدی نیست، بلکه مشتمل بر انواع گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند؛ نخست آن که همه‌ی آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معیّن افرادی را که در درون ساختار قرار دارند، تسهیل می‌کنند. دیگر آن که، سرمایه‌ی اجتماعی مانند سرمایه‌های فیزیکی و انسانی کاملاً تعویض‌پذیر نیست، امّا درباره‌ی فعّالیّت‌های خاصّی تعویض‌پذیر است (علینی، ۱۳۹۱: ۸۴-۸۵). مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی در نظر کلمن وسیله‌ای برای تبیین نحوه‌ی همکاری و تعاون افراد با یکدیگر بوده است. کلمن خاطر نشان می‌کند که مدارس خصوصی وابسته به سازمان‌های دینی در آمریکا به‌رغم معیارهای انضباطی انعطاف‌ناپذیر خود، میزان ترک تحصیل کم‌تری از مدارس خصوصی غیردینی یا مدارس دولتی دارند. وی علّت این امر را سرمایه‌ی اجتماعیِ در دسترسِ مدارس وابسته به سازمان‌های دینی می‌داند و معتقد است که این امر تا اندازه‌ای به ارتباطات اجتماعی و ساختاری میان مدرسه و والدین از طریق اجتماع دینی بستگی دارد. کلمن عضویّت در سازمان‌های دینی آمریکا و رفتن به کلیسا را شاخص خوبی برای خدمات داوطلبانه می‌داند. به هر حال او معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی دینی علاوه بر تشویق افراد به شرکت در سازمان‌های داوطلبانه، ممکن است خود موجب

[1] Burt
[2] Linn
[3] Social Resource
[4] Borgatti
[5] Jones
[6] Everett
[7] Bourdiue

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

بسیج داوطلبانه شود و بر دیگر کنش‌ها نیز اثر بگذارد؛ زیرا دین از این پتانسیل برخوردار است که منبع قدرتمند و پایداری برای سرمایه‌ی اجتماعی باشد و اثرات مطلوب اجتماعی و اخلاقی داشته باشد. به گفته‌ی کلمن، کسانی که نقش دین را بر سرمایه‌ی اجتماعی فراموش کرده یا فقط اثرات منفی آن را می‌بینند، چشم خود را بر واقعیّت بسته‌اند (شایگان، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

پیپا نوریس[1] و اینگلهارت (۲۰۱۱) در کتاب «مقدّس و عرفی[2]» اظهار می‌دارند که ادبیّات آمریکایی بر کارکرد نهادهای دینی در تولید سرمایه‌ی اجتماعی تأکید می‌کند؛ به‌ویژه آن که کلیساهای عمده‌ی پروتستان نقشی حیاتی در گرد هم آوردن گروه‌های متنوّع آمریکایی در جوامع محلّی ایفا می‌نمایند و روابط چهره به چهره، پیوندهای اجتماعی و شبکه‌های سازمانی را تشویق می‌کنند و بدین ترتیب موجب ایجاد اعتماد بین فردی و همکاری در میان عموم مردم می‌شوند. این نظریّه نشان می‌دهد افرادی که با هم عبادت می‌کنند، اغلب نیز با هم بر روی مسائل محلّی کار می‌کنند و در نتیجه‌ی این امر، اجتماع تقویت می‌شود. به نظر نوریس و اینگلهارت، مشارکت دینی- که آن را با فراوانی حضور در مجالس عبادت اندازه‌گیری کرده‌اند- به‌طور مثبت با عضویّت در سازمان‌های دینی مرتبط است.

فوکویاما از دین به‌عنوان یکی از منابع سرمایه‌ی اجتماعی نام می‌برد و اظهار می‌دارد که وبر به دین نه تنها به سبب ایجاد اخلاق کار، بلکه به این خاطر که شبکه‌ی اعتمادی به‌وجود می‌آورد که برای روابط تجاری و مبادلات اقتصادی ضروری است، اشاره می‌کند. کلمن تاجران الماس را در شهر نیویورک مثال می‌زند که غالباً کیسه‌های سنگ‌های گرانبهای خود را بدون دریافت رسید و هرگونه سند قانونی رسمی به یکدیگر می‌سپارند؛ زیرا همگی به یکی از فرقه‌های بنیادگرای یهودی لهستان تعلّق دارند و دارای انواع مختلف اقتدار هستند که می‌تواند بر کسانی که قاعده‌ی بازی را می‌شکنند، اعمال شود. در واقع گرایش شدیدی وجود دارد که برحسب آن، هنجارهای اجتماعی اگرچه نه منحصراً، امّا عمدتاً از دین سرچشمه می‌گیرد (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

پاتنام به پیروی از دیدگاه توکویل[3] فصلی از کتاب «بولینگ به تنهایی[4]» خود را به رابطه‌ی مشارکت دینی و سرمایه‌ی اجتماعی اختصاص داده است. او مدّعی است که نیمی از افراد بشردوست، مذهبی هستند و نیمی از انجمن‌های داوطلبانه در زمینه‌های دینی رشد کرده‌اند. تقویم

[1] Pippa Norris
[2] Sacred and Secular
[3] Tocqueville
[4] Bowling Alone

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

هفتگی فعّالیّت‌های اجتماعی کلیساها نشان دهنده‌ی اقداماتی است که همگی در جهت افزایش سرمایه‌ی اجتماعی است. کلیساها محلّ تربیت بچه‌ها برای فعّالیّت‌های مدنی است و در آن جا مهارت‌های و هنجارهای مدنی و منافع جمعی آموزش داده می‌شود. معلّمان دینی به زنان و مردان می‌آموزند که چگونه سخنرانی کنند؛ میتینگ به‌راه بیندازند؛ مدیریّت کنند و مسؤولیّت‌های اجرایی بپذیرند. هم‌چنین آن‌ها را به سمت دیگر فعّالیّت‌های اجتماعی هدایت می‌کنند (شایگان، ۱۳۸۶: ۱۳۷). به باور پاتنام، کسانی که به کلیسا می‌روند، ممکن است بیش‌تر درگیر سازمان‌های غیردینی بوده، از مشارکت سیاسی بیش‌تری برخودار باشند و ارتباطات اجتماعی غیررسمی داشته باشند. کسانی که دینی هستند، بیش‌تر با دوستان خود ملاقات دارند و آنان را دعوت می‌کنند تا در کلوپ‌ها حضور یابند و در گروه‌های ورزشی با هم باشند؛ هم‌چنین در گروه‌های تخصّصی مانند گروه‌های خدماتی، کلوپ کارهای ذوقی، ادبی، هنری و مطالعاتی شرکت کنند و در کلوپ‌های سیاسی یا گروه‌های دینی و سازمان‌های مدارس همکاری نمایند. نتایج تحقیقات نشان داده است که عضویّت در گروه‌های دینی با دیگر مسائل مدنی همچون رأی دادن، شرکت در فعّالیّت‌های اجتماعی، صحبت با همسایه و پرداخت صدقه، همراه است (علینی، ۱۳۹۱: ۱۵۱-۱۵۲). به‌طور کلّی آموزش‌های دینی با اشتغالات مدنی هم‌بستگی دارد. دین موجب می‌شود مردم یکدیگر را بیش‌تر بشناسند و ارتباط بیش‌تری با همدیگر داشته باشند. افراد دینی به‌طور مداوم در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی فعّال هستند. ایده‌آل‌های دینی منابع قدرتمندی از تعهّد و انگیزه هستند. اگر انسان معتقد باشد که با نیرویی الهی هدایت می‌شود، حاضر به فداکاری است. پاتنام بر آن است که دین خصوصی ممکن است به‌طور اخلاقی و فیزیکی کامل‌تر باشد، امّا دربرگیرنده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی نیست. هم‌چنین به اعتقاد او، همه‌ی مذاهب به یک اندازه در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی دخیل نیستند؛ به‌عنوان نمونه، پیروان مسیحیّت انجیلی بیش‌تر درگیر فعّالیّت‌های درون اجتماع دینی خود می‌شوند و کم‌تر به مسائل اجتماعی گسترده‌تر می‌پردازند. بنابراین هرچند سرمایه‌ی اجتماعی آن‌ها در گروه دینی بالا باشد، موجب افزایش سرمایه‌ی اجتماعی در سطح جامعه نمی‌شوند. برعکس، پروتستان‌ها بیش‌تر به شرکت در انجمن‌های داوطلبانه تشویق می‌شوند و بیش‌تر به اشتغالات مدنی می‌پردازند. در مجموع، دین با تشویق اعضای خود به عبادت، گذراندن وقت با اعضای خانواده و یادگیری درس‌های اخلاقیِ موجود در سنّت دین، اثر سودمندی بر جامعه‌ی مدنی دارد (علیّنی، ۱۳۹۱).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

پاتنام میان سرمایه‌ی فیزیکی (اشیای فیزیکی)، سرمایه‌ی انسانی (خصوصیّات فردی) و سرمایه‌ی اجتماعی تمایز قائل می‌شود. در نظریّه‌ی او، سرمایه‌ی اجتماعی به شبکه‌ی اجتماعی و روابط میان افراد اشاره دارد. بر اساس نظریّه‌ی پاتنام، مفاهیم اعتماد و بده‌بستان از روابط شبکه‌ی اجتماعی برمی‌خیزد و بدین ترتیب «امتیاز مدنی بودن»، یک اجتماعِ سرشار از اعتماد را ایجاد می‌کند که ساکنان آن نه فقط همدیگر را می‌شناسند، بلکه به شکلی فعّال در زندگی یکدیگر نقش دارند و روابطی مفید و مملو از اعتماد را با هم برقرار می‌کنند. هم‌چنین باید توجّه کرد که برای داشتن اجتماعی قوی و دارای سرمایه‌ی اجتماعی بالا، مفاهیم اعتماد و بده‌بستان و نیز تعهّدات ناشی از آن‌ها، در میان ساکنان باید دوسویه باشد (شجاعی باغینی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۸). پاتنام دو شکل از سرمایه‌ی اجتماعی را تحت عنوان سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و سرمایه‌ی اجتماعی ارتباط‌دهنده تفکیک کرده است. از نظر او، سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی بر محور خانواده، دوستان صمیمی و سایر خویشاوندان نزدیک بنا شده است. این شکل از سرمایه‌ی اجتماعی، دارای نگاهی درون‌گرایانه است که افراد متعلّق به یک رده‌ی اجتماعی مشابه را گرد هم می‌آورد و به تقویت هویّت‌های انحصاری و گروه‌های همگون گرایش دارد. در عوض، سرمایه‌ی اجتماعی ارتباط‌دهنده، افراد را با آشنایان دورتر که در حلقه‌هایی غیر از حلقه‌ی آن‌ها قرار دارند، ارتباط می‌دهد. این نوع سرمایه به جای تقویت یک گروه کوچک و محدود، به ایجاد هویّت‌های وسیع‌تر و بده‌بستانِ گسترده‌تر گرایش دارد. به اعتقاد پاتنام اگرچه سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی برای عبور از برخی موانع مفید است، سرمایه‌ی اجتماعی ارتباط‌دهنده برای پیشرفت کردن ضروری است (فیلد، ۱۳۸۵).

اعتماد یکی دیگر از مفاهیم اصلی حوزه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در کار پاتنام است، پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی را به صورت شبکه‌هایی از مؤسّسات خودانگیخته و انجمن‌های داوطلبانه‌ی آکنده از اعتماد تعریف می‌کند. در کار پاتنام مشارکت و اعتماد به صورت دو متغیّر وابسته به هم دیده شده‌اند. او معتقد است که اعتماد، همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری نیز بیش‌تر خواهد بود و همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند؛ به عبارتی هرچه تعامل میان افراد بیش‌تر باشد، آن‌ها اطّلاعات بیش‌تری درباره‌ی یکدیگر به‌دست می‌آورند و انگیزه‌های بیش‌تری برای اعتماد پیدا می‌کنند. به‌طور کلّی پاتنام دو نوع اعتماد را معرّفی می‌کند؛ یکی از آن‌ها، اعتماد صمیمی یا اعتماد فردی است. این نوع اعتماد، میان افرادی است که آشنایی نزدیک با یکدیگر دارند و معمولاً در جوامع کوچک یافت می‌شود. دیگری، اعتماد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تعمیم‌یافته یا نهادی است که غیرشخصی و شکل غیرمستقیمی از اعتماد است و در جوامع پیچیده‌تر وجود دارد (علینی، ۱۳۹۱). با توجّه به آن چه گفته شد، یکی از ابعاد اساسی دین و دینداری، مناسک دینداری به‌ویژه مناسک دسته‌جمعی است. بسیاری از تحقیقات انجام‌شده رابطه‌ی دینداری یا بُعد اعتقادی دین را با سرمایه‌ی اجتماعی در نظر گرفته‌اند. محقّقان در این پژوهش‌ها با تمرکز بر بعد مناسکی دینداری به‌خصوص مناسک دسته‌جمعی، بعد مشارکت در اجتماعات دینی و رابطه‌ی آن با ابعاد سرمایه اجتماعی را مورد توجّه و مطالعه قرار داده‌اند. در جامعه‌ی ایران با اکثریّت مسلمان شیعه این سؤال طرح می‌شود که آیا مشارکت بیش‌تر در مراکز مذهبی از قبیل مساجد، حسینیّه‌ها و تکایا، می‌تواند سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن را ارتقا دهد؟ به عبارت دیگر، آیا افرادی که بیش‌تر به مراکز مذهبی می‌روند، از سرمایه‌ی اجتماعی بیش‌تری برخوردارند؟

روش‌شناسی

با توجّه به کمّی بودن این پژوهش و ماهیّت موضوع مورد مطالعه، روش پیمایش به‌عنوان روش اصلی این پژوهش انتخاب شده و ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ی ساختمند بوده است. جامعه‌ی آماری این تحقیق، مردان و زنان ۱۵ تا ۵۹ ساله‌ی شهر شیراز هستند. بر اساس اعلام مرکز آمار ایران[1] در سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیّت کلّ افراد ۱۵ تا ۵۹ ساله‌ی این شهر برابر با ۱۲۱۵۳۰۰ نفر بوده است که ۶۰۸۹۱۳ نفر از آنان را مردان و ۶۰۶۳۸۷ نفر را زنان تشکیل داده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه‌ی مورد مطالعه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد و در نهایت ۴۱۰ نفر (۱۹۶ مرد و ۲۱۴ زن) با استفاده از تکنیک نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در مناطق نه‌گانه به صورت تصادفی انتخاب شده و پرسش‌نامه را تکمیل کرده‌اند.

متغیّر مستقل این تحقیق مشارکت مذهبی بوده که با استفاده از ۱۳ گویه در طیف لیکرت پنج گزینه‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. مقصود از مشارکت دینی در این تحقیق، حضور و فعّالیّت افراد در اجتماعات و مکان‌های دینی (مساجد، حسینیّه‌ها، نمازهای جماعت و جمعه، مراسم‌های روضه و اعتکاف و...) است که به نوعی با اعتقادات دینی آن‌ها در ارتباط است. متغیّر وابسته‌ی این تحقیق سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلّفه‌های آن بوده‌اند که جمعاً ۳۳ گویه را تشکیل داده و در طیف لیکرت پنج گزینه‌ای مطرح شده‌اند. مؤلّفه‌های اعتماد درون‌گروهی (۷ گویه) و اعتماد نهادی

[1] http://www.amar.org.ir/

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

(۱۱ گویه) برگرفته از استون[1] و هیوز[2] (۲۰۰۲) است؛ به باور پاتنام، اعتماد درون‌گروهی، اعتمادی است که افراد به آشنایان نزدیک خود دارند و اعتماد نهادی غیرشخصی است (علینی، ۱۳۹۱). مشارکت اجتماعی یکی دیگر از مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی است که دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتّحادیّه‌ها و گروه‌هایی دارد که معمولاً خصلتی محلّی و غیردولتی دارند و هدف آن‌ها مشارکت دادن و درگیر کردن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف در قالب سیاست‌های اجتماعی است (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸). در این تحقیق برای قابل سنجش کردن این متغیّر، از افراد پرسیده شده که به چه میزان در گروه‌ها و انجمن‌های گوناگون عضویّت داشته‌اند. پاسخ‌های آن نیز بر اساس طیف لیکرت از «عضو نبوده‌ام» تا «خیلی زیاد» سنجیده شده است. انسجام اجتماعی نیز مؤلّفه‌ی دیگر سرمایه‌ی اجتماعی بوده است که با ۶ گویه که بیانگر رابطه‌ی متقابل افراد و کمک گرفتن از دیگران بوده، سنجیده شده است. از نظر پاتنام، این روابط اعتماد را افزایش می‌دهد (پاتنام، ۱۳۹۲). برای اطمینان از روایی پرسش‌نامه از اعتبار صوری استفاده شده است که قبلاً این گویه‌ها از سوی محقّقان دیگری مورد استفاده قرار گرفته بوده‌اند. پایایی مقیاس‌های این تحقیق نیز بر اساس آزمون آلفای کرونباخ تعیین شده است که در جدول زیر مشاهد می‌شود.

جدول شماره‌ی یک- نتایج آزمون ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌ها

مقیاس	تعداد گویه	مقدار آلفای کرونباخ
اجتماعات دینی	۱۳	۰/۸۲
انسجام اجتماعی	۶	۰/۷۱
مشارکت اجتماعی	۹	۰/۸۴
اعتماد درون‌گروهی	۷	۰/۸۹
اعتماد نهادی	۱۱	۰/۹۱
سرمایه‌ی اجتماعی	۳۳	۰/۷۸

[1] Stone
[2] Hughes

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

یافته‌ها

جدول شماره‌ی دو- توصیف فراوانی و درصد متغیّرهای جمعیّت‌شناختی پاسخ‌گویان

ویژگی‌های نمونه	فراوانی	درصد	ویژگی‌های نمونه	فراوانی	درصد
میانگین سنّی	۲۹/۴	–	**میانگین تحصیلات پاسخ‌گو**	۱۲/۴۰	–
جنسیّت			**میانگین تحصیلات والدین**		
زن	۲۱۴	۵۲/۲	تحصیلات پدر	۹/۸۷	–
مرد	۱۹۶	۴۷/۸	تحصیلات مادر	۷/۶۲	–
وضعیّت تأهّل			**طبقه‌ی اجتماعی اقتصادی**		
مجرّد	۱۷۲	۴۲	بالا	۳۹	۹/۵
متأهّل	۲۲۲	۵۴/۱	متوسّط	۲۴۱	۵۸/۸
سایر	۱۶	۳/۹	پایین	۱۳۰	۳۱/۷
وضعیّت اشتغال					
شاغل	۱۶۰	۳۹	**میانگین درآمد***	۱۲۰۰۰۰۰	–
غیرشاغل	۲۵۰	۶۱			
قومیّت					
فارس	۳۵۵	۸۶/۶			
لر	۱۷	۱/۴			
ترک	۲۰	۴/۹			
کرد	۵	۱/۲			
عرب	۶	۱/۵	**تعداد**	٤١٠	
سایر	۷	۱/۷			

*این متغیّر دارای داده‌ی گمشده (Missing) است.

در جدول شماره‌ی دو، آمارهایی از متغیّرهای جمعیّت‌شناختی پاسخ‌گویان آمده که در ادامه به تحلیل توصیفی این آمارها که از ۴۱۰ پرسش‌نامه‌ی تکمیل‌شده در مناطق نه‌گانه‌ی شیراز جمع‌آوری شده است، می‌پردازیم. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، میانگین سنّ افراد پاسخ‌گو در این تحقیق از تعداد ۴۱۰ نفر پاسخ‌گویی که به‌طور کامل به گویه‌ها پاسخ داده‌اند، ۲۹/۴ سال بوده است. بر اساس داده‌های جدول، ۲۱۴ نفر (۵۲/۲ درصد) از پاسخ‌گویان را زنان و ۱۹۶ نفر (۴۷/۸ درصد) از آن‌ها

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

را نیز مردان تشکیل داده‌اند. درباره‌ی وضعیّت تأهّل افراد، پاسخ‌ها حاکی از آن است که ۱۷۲ نفر (۴۲ درصد) از پاسخ‌گویان مجرّد، ۲۲۲ نفر (۵۴/۱ درصد) از آن‌ها متأهّل و درصد کمی (۳/۹ درصد) نیز مطلّقه، همسر فوت‌شده و ... بوده‌اند. اکثریّت افراد در این مطالعه، غیرشاغل(۶۱ درصد) و ۱۶۰ نفر (۳۹ درصد) از آن‌ها نیز شاغل بوده‌اند. یکی دیگر از متغیّرهای جمعیّت‌شناختی این تحقیق، طبقه‌ی اجتماعی- اقتصادی بوده که بر اساس آن، بیش‌تر پاسخ‌گویان (۵۸/۸ درصد) خود را از طبقه‌ی متوسّط، ۳۱/۷ درصد از آن‌ها خود را از طبقه‌ی پایین و تنها ۹/۵ درصد خود را از طبقه‌ی بالا دانسته‌اند. میانگین سال‌های تحصیلی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که میانگین تحصیلات آن‌ها بیش‌تر از والدینشان بوده است؛ زیرا میانگین سال‌های تحصیل مادران ۷/۶۲ سال، میانگین سال‌های تحصیلی پدران ۹/۸۷ سال و میانگین سال‌های تحصیلی پاسخ‌گویان نیز ۱۲/۴۰ سال به‌دست آمده است. از لحاظ قومیّت، بیش‌تر پاسخ‌گویان (۸۶/۶ درصد) از قوم فارس بوده‌اند. در تحلیل توصیفی پاسخ‌گویان برحسب درآمد همان‌گونه که از یافته‌های جدول شماره‌ی دو مشخّص می‌شود، میانگین درآمد ۲۸۷ نفر از پاسخ‌گویانی که به این سؤال پاسخ داده‌اند، یک میلیون و دویست هزار تومان بوده است.

جدول شماره‌ی سه- توزیع درصدی پاسخ‌گویان برحسب سطوح مشارکت دینی

میزان مشارکت دینی	فراوانی	درصد
کم	۶۱	۱۴/۹
متوسّط	۲۹۳	۷۱/۵
زیاد	۵۶	۱۳/۷
کل	۴۱۰	۱۰۰

در جدول شماره‌ی سه، میزان مشارکت دینی پاسخ‌گویان که با ۱۳ گویه سنجیده شده، در سه سطح ارزیابی و رتبه‌بندی شده است. همان‌گونه که در این جدول دیده می‌شود، بیش‌تر افراد یعنی ۷۱/۵ درصد (۲۹۳ نفر) دارای مشارکت متوسّطی در اجتماعات دینی بوده‌اند. ۱۳/۷ درصد (۵۶ نفر) از پاسخ‌گویان مشارکت زیاد و ۱۴/۹ درصد (۶۱ نفر) از آن‌ها مشارکت کمی در اجتماعات دینی داشته‌اند؛ بنابراین اکثریّت افراد مورد مطالعه، دارای سطح متوسّطی از مشارکت بوده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی چهار- توزیع درصدی متغیّرها بر اساس سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلّفه‌های آن

متغیّرها	کم		متوسّط		زیاد		میانگین	انحراف معیار
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
انسجام اجتماعی	۶۰	۱۴/۶	۲۹۷	۷۲/۴	۵۳	۱۲/۹	۱/۹۸	۰/۵۲
مشارکت اجتماعی	۶۱	۱۴/۹	۲۸۶	۶۹/۸	۶۳	۱۵/۴	۲/۰۰	۰/۵۵
اعتماد درون‌گروهی	۴۸	۱۱/۷	۲۸۴	۶۹/۳	۷۸	۱۹	۲/۰۷	۰/۵۵
اعتماد نهادی	۷۵	۱۸/۳	۲۷۵	۶۷/۱	۶۰	۱۴/۶	۱/۹۶	۰/۵۷
سرمایه‌ی اجتماعی	۶۱	۱۴/۹	۲۹۲	۷۱/۲	۵۷	۱۳/۹	۱/۹۹	۰/۵۳

جدول شماره‌ی چهار، بیانگر توزیع درصدی پاسخ‌گویان بر مبنای میزان سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلّفه‌های آن است که در سه طبقه قرار داده شده‌اند. بر این اساس، بیش‌ترین میزان سرمایه‌ی اجتماعی در بعد اعتماد درون‌گروهی است؛ ۱۹ درصد (۷۸ نفر) از پاسخ‌گویان دارای اعتماد زیاد، ۶۹/۳ درصد (۲۸۴ نفر) دارای اعتماد متوسّط و تنها ۱۱/۷ درصد (۴۸ نفر) دارای اعتماد کم بوده‌اند. مؤلّفه‌ی مشارکت اجتماعی نیز در مرتبه‌ی دوم قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که بر مبنای تقسیم‌بندی ما در سه سطح کم، متوسّط و زیاد، ۱۵/۴ درصد (۶۳ نفر) دارای مشارکت اجتماعی زیاد، ۶۹/۸ درصد (۲۸۶ نفر) دارای مشارکت متوسّط و ۱۴/۹ درصد (۶۱ نفر) دارای سطح کمی از مشارکت اجتماعی بوده‌اند. امّا کم‌ترین میزان سرمایه‌ی اجتماعی مربوط به بعد اعتماد نهادی است؛ بر این اساس، تنها ۱۴/۶ درصد (۶۰ نفر) دارای اعتماد زیاد بوده‌اند، ۱۸/۳ درصد (۷۵ نفر) سطح کمی از اعتماد نهادی داشته‌اند و ۶۷/۱ درصد (۲۷۵ نفر) نیز در رتبه‌ی متوسّط اعتماد نهادی قرار گرفته‌اند. در مجموع، درباره‌ی متغیّر سرمایه‌ی اجتماعی باید گفت که بیش‌تر افراد (۷۱/۲ درصد) دارای سطح متوسّطی از سرمایه‌ی اجتماعی بوده و تنها ۱۳/۹ درصد (۵۷ نفر) سرمایه‌ی اجتماعی زیادی داشته‌اند، در حالی که ۱۴/۹ درصد (۶۱ نفر) دارای سرمایه‌ی اجتماعی در سطح کم بوده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

یافته‌های استنباطی

جدول شماره‌ی پنج- ماتریس هم‌بستگی متغیّرهای وابسته و مستقل

نام متغیّرها	مشارکت دینی	انسجام اجتماعی	مشارکت اجتماعی	اعتماد درون‌گروهی	اعتماد نهادی	سرمایه‌ی اجتماعی
مشارکت دینی	-					
انسجام اجتماعی	۰/۱۹۷**	–				
مشارکت اجتماعی	-۰/۰۲۵	۰/۲۳۵**	–			
اعتماد درون‌گروهی	۰/۱۳۶**	۰/۱۲۳*	-۰/۱۳۱**	–		
اعتماد نهادی	۰/۴۱۰**	۰/۲۲۴**	۰/۶۷۸**	۰/۰۱۳	–	
سرمایه‌ی اجتماعی	۰/۴۶۶**	۰/۵۴۲**	۰/۶۷۸**	۰/۸۷	۰/۹۰۲**	–

* $p < .01$; ** $p < .001$

در جدول شماره‌ی پنج، ماتریس هم‌بستگی متغیّرهای مستقل و وابسته‌ی مطالعه، آمده است؛ به عبارت دیگر، این جدول بیانگر فرضیّات تحقیق است. بر این اساس مشارکت در اجتماعات دینی به‌عنوان متغیّر مستقل در نظر گرفته شده و ارتباط آن با سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلّفه‌های آن، به‌عنوان متغیّرهای وابسته مورد توجّه قرار گرفته است. خروجی آزمون پیرسون از هم‌بستگی متغیّرها، حاکی از آن است که مشارکت دینی بیش‌ترین ارتباط را با متغیّر اعتماد نهادی با مقدار هم‌بستگی ۰/۴۱۰ و سطح معناداری p<۰/۰۰۱ دارد که این رابطه مثبت است و با افزایش مشارکت در اجتماعات دینی، اعتماد نهادی نیز افزایش می‌یابد. در وهله‌ی دوم مشارکت دینی با انسجام اجتماعی با مقدار هم‌بستگی ۰/۱۹۷ و سطح معناداری p<۰/۰۰۱ رابطه‌ی مثبت و معنادار را نشان می‌دهد؛ بدین معنا که با افزایش میزان مشارکت در اجتماعات دینی، انسجام اجتماعی افراد نیز افزایش پیدا می‌کند. یکی دیگر از ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی که در این مطالعه رابطه‌ی مثبت و معناداری با مشارکت در اجتماعات دینی دارد، اعتماد درون‌گروهی است. میزان ضریب هم‌بستگی ۰/۱۳۶ و سطح معناداری p<۰/۰۰۶ حاکی از آن است که با افزایش مشارکت در اجتماعات درون‌گروهی، بر مشارکت دینی افراد نیز افزوده می‌شود. امّا نتایج آزمون پیرسون نشان‌دهنده‌ی عدم ارتباط معنادار میان مشارکت در اجتماعات دینی و مشارکت اجتماعی است که سطح معناداری آن

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۰/۶۱۱ است. به‌طور کلّی ارتباط میزان مشارکت در اجتماعات دینی و سرمایه‌ی اجتماعی کل با مقدار ضریب هم‌بستگی ۰/۴۶۶ و سطح معناداری p<۰/۰۰۱ مثبت و معنادار است. بدین ترتیب با افزایش مشارکت افراد در اجتماعات دینی، سرمایه‌ی اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه‌ی اجتماعی عمدتاً مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی است و شناسایی آن به‌عنوان نوعی از سرمایه چه در سطح مدیریّت کلان اقتصادی و توسعه‌ی کشورها و چه در سطح مدیریّت سازمان‌ها و بنگاه‌ها می‌تواند شناخت جدیدتری را از سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی ایجاد کند و کارایی سیاست‌ها و تصمیم‌ها را در عرصه‌های کلان جامعه بهبود بخشد. تحقیقات گوناگونی در ایران درباره‌ی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در حوزهای مختلف اجتماعی و فرهنگی همچون توسعه، رشد اقتصادی، منابع انسانی و... صورت گرفته که همگی حاکی از اثرگذاری سرمایه‌ی اجتماعی بر این حوزه‌هاست (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۳؛ علمی، شارع‌پور و حسینی، ۱۳۸۴؛ منظور و یادی‌پور، ۱۳۸۷؛ برامکی یزدی، ۱۳۸۷). بنابراین سرمایه‌ی اجتماعی دارای عناصر و مؤلّفه‌هایی است که در صورت تقویت آن‌ها می‌توان راه پیشرفت و توسعه‌ی کشور را هموار کرد. با توجّه به سطح نازل سرمایه‌ی اجتماعی در ایران (قاسمی، ۱۳۹۰) و اهمّیّت و ضرورت بررسی عوامل اثرگذار بر سرمایه‌ی اجتماعی و نیز با عنایت به سنّت و فرهنگ غنی اسلامی و آموزه‌های دین اسلام که آموزه‌هایی اجتماعی هستند، این تحقیق با هدف بررسی ارتباط متغیّر شرکت در اجتماعات دینی با سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلّفه‌های گوناگون آن انجام شده است.

ایده‌ی اساسی این مطالعه، نخست شناخت بهتر سرمایه‌ی اجتماعی با توجّه به بستر اجتماعی و فرهنگی خاصّ جامعه‌ی ایران به‌عنوان جامعه‌ای که دین و سنّت‌های دینی بخش عمده‌ای از فرهنگ آن را تشکیل می‌دهند، بوده است. ارائه‌ی راهکارهایی به سیاست‌گذاران اجتماعی برای افزایش سرمایه‌ی اجتماعی با توجّه به سنّت‌های دینی و فرهنگی جامعه‌ی ایران، دیگر ایده‌ی اساسی این تحقیق به‌شمار می‌آمده است. دین اسلام به‌عنوان دینی که برای حیات اجتماعی مسلمانان و روابط آن‌ها آموزه‌های متعدّد اعتقادی و مناسکی دارد، می‌تواند نقش مهمّی در سرمایه‌ی اجتماعی داشته باشد. در این مطالعه تأثیر حضور و مشارکت در مراکز و اجتماعات دینی بر سرمایه‌ی اجتماعی افراد، مورد تمرکز قرار گرفته و فرض اساسی این بوده است که حضور و مشارکت در اجتماعات دینی با میزان سرمایه‌ی اجتماعی افراد مرتبط است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جامعه‌ی آماری این تحقیق، شهروندان ۱۵ تا ۵۹ ساله‌ی شهر شیراز بوده‌اند. پس از نمونه‌گیری، ۴۱۰ نفر به‌عنوان جمعیّت نمونه مورد مطالعه قرار گرفته که ۲۱۴ نفر از آنان زن و ۱۹۶ نفر نیز مرد بوده‌اند. هم‌چنین میانگین سنّی این افراد ۲۹/۴ سال و قومیّت اکثریّت آن‌ها فارس بوده است.

نتایج حاکی از آن است که ۷۱/۵ درصد از افراد به میزان متوسّط، ۱۳/۷ درصد به میزان زیاد و ۱۴/۹ درصد به میزان کم در اجتماعات دینی مشارکت داشته‌اند. درباره‌ی سطح سرمایه‌ی اجتماعی پاسخ‌گویان نیز نتایج نشان می‌دهد که بیش‌تر افراد (۷۱/۲ درصد) دارای سطح متوسّط سرمایه‌ی اجتماعی بوده و تنها ۱۳/۹ درصد افراد سرمایه‌ی اجتماعی زیادی داشته‌اند. ضمن آن که ۱۴/۹درصد از این افراد نیز دارای سرمایه‌ی اجتماعی کم بوده‌اند که این امر نگران‌کننده به‌نظر می‌رسد.

نتایج تحلیل استنباطی این مطالعه بیانگر آن است که به‌طور کلّی یافته‌ها چارچوب نظری تحقیق را مورد تأیید قرار داده‌اند و فرضیّه‌ی اصلی این تحقیق که رابطه میان مشارکت در اجتماعات دینی و سرمایه‌ی اجتماعی بوده، تأیید شده است. رابطه‌ی شرکت در اجتماعات دینی با مؤلّفه‌های اعتماد درون‌گروهی، اعتبار نهادی و انسجام اجتماعی نیز مورد تأیید قرار گرفته است، امّا رابطه‌ی مشارکت در اجتماعات دینی با مشارکت اجتماعی معنادار نیست. این در حالی است که به عقیده‌ی پاتنام، به‌طور کلّی آموزش‌های دینی با مشارکت مدنی هم‌بستگی دارد و دین موجب می‌شود مردم یکدیگر را بیش‌تر بشناسند و ارتباط بیش‌تری با همدیگر داشته باشند. به‌علاوه، افراد دینی به‌طور مداوم در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی فعّال هستند (نک. چارچوب نظری). در این مطالعه با توجّه به اجتماعی بودن آموزه‌های اسلامی انتظار می‌رفت علاوه بر انواع اعتماد و انسجام، مشارکت در اجتماعات دینی بتواند مشارکت اجتماعی را نیز افزایش دهد. امّا به‌نظر می‌رسد محتوای اجتماعات دینی و مراسمی که افراد در آن شرکت می‌کنند، این کارایی را نداشته است و مباحث موجود در آموزه‌های اسلامی درباره‌ی مشارکت اجتماعی، کم‌تر در این اجتماعات توصیه و بیان می‌شود. در واقع پاتنام استدلال می‌کند که در مراکز و اجتماعات دینی، مهارت‌ها و هنجارهای مدنی و منافع جمعی را آموزش می‌دهند و این عوامل باعث افزایش سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود (نک. چارچوب نظری). ضمن آن که پاتنام در تحقیق خود در جنوب ایتالیا به این نتیجه رسیده که مسیحیّت کلیسای کاتولیک، بنیان ضعیفی برای سرمایه‌ی اجتماعی است. یافته‌های او حتّی نشان می‌دهد که حضور در کلیسا رابطه‌ی معکوسی با شرکت در تشکّل‌های مدنی دارد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

(افشانی و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین پاتنام نیز به این نکته توجّه داشته که آموزه‌های منتقل‌شده به افراد در این اجتماعات می‌تواند مشارکت اجتماعی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

نکته‌ی شایان توجّه در این مطالعه، هم‌بستگی بسیار بالای مشارکت دینی با بعد اعتماد نهادی سرمایه‌ی اجتماعی است. این یافته بدین معناست که با مشارکت بیش‌تر در اجتماعات دینی، اعتماد نهادی نیز افزایش می‌یابد. امّا این سؤال مطرح می‌شود که چرا در میان سایر ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی (مانند انسجام، اعتماد درون‌گروهی و مشارکت اجتماعی)، اعتماد نهادی با میزان هم‌بستگی ۴۱۰/. و سطح معناداری بسیار بالا با مشارکت دینی هم‌بستگی دارد؟ برای تبیین این یافته باید به ماهیّت نهاد دین، ارتباط آن با سایر نهادها و جهت‌گیری‌های آن در جامعه‌ی ایران توجّه کرد. دین در ایران ماهیّت نهادی دارد و نهادی مهم و اثرگذار بر سایر نهادها به‌ویژه نهاد سیاست است. برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر به‌خصوص کشورهای غربی که در آن‌ها دین و دینداری امری فردی و شخصی است یا افراد در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که سکولار (نهاد دین از قدرت و نفوذ اجتماعی کمی برخوردار است) و لائیک (نهاد دین از نهاد سیاست جداست) به‌شمار می‌آید، دین و دینداری در ایران از یک‌سو تنها به ساحت زندگی فردی محدود نمی‌شود و جهت‌گیری‌های آن، ساحت‌های عمومی و اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد و از سوی دیگر، دو نهاد دین و سیاست در هم‌تنیده و دارای ارتباطی همکارانه هستند. در این میان، مشارکت افراد در برنامه‌های نهاد دین، اعتماد نهادی (اعتماد به نهادهای دولتی و سیاسی همچون دولت، مجلس، مجلس خبرگان، دادگستری‌ها و ...) را بیش‌تر از دیگر ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی افزایش می‌دهد. بنابراین ماهیّت و جهت‌گیری‌های نهاد دین در ایران موجب افزایش بیش‌تر اعتماد نهادی می‌شود. امّا در کشورهایی که نهاد دین چنین رابطه‌ای نهادی با سایر نهادهای جامعه ندارد، ممکن است اعتماد نهادی را تضعیف کند (اینگلهارت، ۲۰۰۰؛ لانداسون[1] و تراگارد[2]، ۲۰۱۳).

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که می‌توان با نگاهی بومی به مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی و شیوه‌های ارتقای آن در جامعه، فرایندهایی در سنّت‌ها و بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه یافت و در عین تقویت فرهنگ و سنّت‌های بومی و محلّی، سرمایه‌ی اجتماعی را نیز ارتقا داد. یکی از این موارد، نقش اجتماعات دینی در سرمایه‌ی اجتماعی افراد و گروه‌ها در جامعه است. اجتماعات دینی با فراهم کردن فضایی از تعامل و آشنایی میان افراد در ضمن انجام مناسک دینی، موجب

[1] Lundasen
[2] Tragardh

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ایجاد پیوندهایی میان افراد می‌شوند. بنابراین، علاوه بر بعد اعتقادی دین و دینداری در اجتماعات دینی، نفس حضور و تعاملات جمعی در این اجتماعات بخشی از سرمایه‌ی اجتماعی را ارتقا می‌دهد. دورکیم نیز در مطالعات خود درباره‌ی دین به این امر اشاره نموده و بر کارکرد اجتماعات دینی در ایجاد انسجام و یکپارچگی در سطوح جامعه تأکید کرده است (دورکیم، ۱۳۸۲). از سوی دیگر، آموزه‌های دین اسلام که بر پیوند افراد با یکدیگر و گروه‌ها در سطوح مختلف جامعه (از سطوح خانوادگی تا خویشاوندی و بخش‌های مختلف جامعه) تأکید دارد و در این اجتماعات بیان و تبیین می‌شود نیز عاملی برای ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی است. بنابراین به سیاست‌گذاران اجتماعی و فرهنگی جامعه توصیه می‌شود که نقش اجتماعات دینی را در سطوح سرمایه‌ی اجتماعی جامعه در نظر بگیرند و با رویکردی بومی در جهت به‌کارگیری سنّت‌های جامعه برای ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی تلاش کنند. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود دست‌اندرکاران اجتماعات دینی به‌ویژه روحانیون ضمن توجّه به آموزه‌هایی از دین اسلام که بعد مشارکت اجتماعی را تقویت می‌کند، در مجالس دینی به اموری که مشوّق و ترغیب‌کننده‌ی این بعد از سرمایه‌ی اجتماعی است، تأکید داشته باشند تا به‌گونه‌ای شایسته از رهنمودهای دین اسلام استفاده شود. پیشنهاد این پژوهش به محقّقان نیز آن است که در مطالعات آتی خود، بر فرایندها و محتوای اجتماعات دینی در ارتباط با سرمایه‌ی اجتماعی تأکید کنند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. افشانی، سیّد علیرضا؛ عسکری ندوشن، عبّاس؛ حیدری، محمّد و نوریان نجف‌آبادی، محمّد (۱۳۹۰) «رابطه‌ی دینداری با سرمایه‌ی اجتماعی در شهر نجف‌آباد»، **فصلنامه‌ی علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال دوازدهم، شماره‌ی ۴۴، صص ۲۵۹-۲۸۴.

۲. الوانی، سیّد مهدی و شیروانی، علیرضا (۱۳۸۳) «سرمایه‌ی اجتماعی اصل محوری توسعه»، **ماهنامه‌ی تدبیر**، شماره‌ی ۱۴۷، صص ۱۶-۲۲.

۳. امین بیدختی، علی‌اکبر و شریفی، نوید (۱۳۹۲) «دینداری و سرمایه‌ی اجتماعی حامی امنیّت اجتماعی»، **فصلنامه‌ی مطالعات امنیّت اجتماعی**، شماره‌ی ۳۳، صص ۴۷-۶۹.

۴. برامکی یزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷) «عوامل مؤثّر بر توسعه: مطالعه‌ی موردی سرمایه‌ی اجتماعی»، **فصلنامه‌ی راهبرد یاس**، شماره‌ی ۱۶، صص ۱۶۱-۱۸۵.

۵. پاتنام، رابرت (۱۳۹۲) **دموکراسی و سنّت‌های مدرن**، ترجمه‌ی محمّدتقی دلفروز، تهران: جامعه‌شناسان.

۶. تاجبخش، کیان؛ ثقفی، مراد و کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۸۲) «سرمایه‌ی اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی»، **فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی**، سال سوم، شماره‌ی ۱۰، صص ۱۵۵-۱۹۹.

۷. دورکیم، امیل (۱۳۸۲) **صور ابتدایی حیات مذهبی**، ترجمه‌ی نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علّامه طباطبایی.

۸. شایگان، فریبا (۱۳۸۶) «**بررسی رابطه‌ی دینداری و اعتماد سیاسی**»، رساله‌ی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علّامه طباطبایی.

۹. شجاعی باغینی، محمّدمهدی و همکاران (۱۳۸۷) **مبانی مفهومی سرمایه‌ی اجتماعی**، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی اجتماعی.

۱۰. علمی، زهرا؛ شارع‌پور، محمود و حسینی، سیّد امیرحسین (۱۳۸۴) «سرمایه‌ی اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد»، **مجلّه‌ی تحقیقات اقتصادی**، شماره‌ی ۷۱، صص ۲۳۹-۲۹۶.

۱۱. علّینی، محمّد (۱۳۹۱) **سرمایه‌ی اجتماعی در آموزه‌های اسلامی**، قم: مؤسّسه‌ی بوستان کتاب.

۱۲. فرانسیس، فوکویاما (۱۳۸۵) **پایان نظم: سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن**، ترجمه‌ی غلامعباس توسّلی، تهران: جامعه‌ی ایرانیان.

۱۳. فیلد، جان (۱۳۸۵) **سرمایه‌ی اجتماعی**، ترجمه‌ی جلال متّقی، تهران: مؤسّسه‌ی عالی پژوهش.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۴. قاسمی، وحید و امیری اسفرجانی، زهرا (۱۳۹۰) «تبیین جامعه‌شناختی تأثیر دینداری بر سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی»، **فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیست و دوم، شماره‌ی ۲ (پیاپی ۴۲)، صص ۲۱-۴۶.

۱۵. کتابی، محمود؛ گنجی، محمّد؛ احمدی، یعقوب و معصومی، رضا (۱۳۸۳) «دین، سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اجتماعی فرهنگی»، **مجلّه‌ی پژوهشی دانشگاه اصفهان**، علوم انسانی، جلد ۱۷، شماره‌ی ۲، صص ۱۶۹-۱۹۲.

۱۶. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹) **بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی**، تهران، وزارت جهاد کشاورزی.

۱۷. منظور، داوود و یادی‌پور، مهدی (۱۳۸۷) «سرمایه‌ی اجتماعی عامل توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی»، **فصلنامه‌ی راهبرد یاس**، شماره‌ی ۴ (۱۵)، صص ۴۰-۱۶۲.

18. Borgatti, S. P., Jones, C., & Everett, M. G. (1998). "Network measures of social capital". **Connections**, 21(2), 27-36.

19. Bunn, C., & Wood, M. (2012). "Cultured responses: The production of social capital in faith based organizations". **Current Sociology**, 60(5), 636-652.

20. Ebstyne King, P., & Furrow, J. L. (2008, August). "Religion as a resource for positive youth development: religion, social capital, and moral outcomes". **In Meeting of the Society for Research in Child Development**, Apr, 2001, Minneapolis, MN, US; A previous version of this article was presented at the aforementioned conference. (No. 1, p. 34). Educational Publishing Foundation.

21. Farr, J. (2004). **Social capital a conceptual history**. Political theory, 32(1), 633.

22. Guiso, L., Sapienza, P., & Zingales, L. (2000). "The role of social capital in financial development" (No. w7563). **National bureau of economic research**.

23. Inglehart, R. (2000). "Globalization and postmodern values". **Washington Quarterly**, 23(1), 215-228.

24. Jeong, H. O. (2010). "How do religions differ in their impact on individuals' social capital? The case of South Korea". **Nonprofit and voluntary sector quarterly**,39 (1), 142-160.

25. Leung, A., Kier, C., Fung, T., Fung, L., & Sproule, R. (2013). "Searching for happiness: The importance of social capital". **In The Exploration of Happiness**(pp. 247-267). Springer Netherlands..

26. Lichterman, P. (2015). "Religion and Social Solidarity. In Religion and Volunteering" (pp. 241-261***). Springer International Publishing**.

27. Lim, C., & Putnam, R. D. (2010). "Religion, social networks, and life satisfaction". **American Sociological Review**, 75(6), 914-933.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

28. Liu, J., Qu, H., Huang, D., Chen, G., Yue, X., Zhao, X., & Liang, Z. (2014). "The role of social capital in encouraging residents' pro-environmental behaviors in community-based ecotourism". **Tourism Management**, 41, 190-201.

29. Lundasen, S. W., & Tragardh, L. (2013). "Social Trust and Religion in Sweden: Theological Belief Versus Social Organization. In Religion and Civil Society in Europe" (pp. 109-124). **Springer Netherlands**.

30. Minani, B., Rurema, D. G., & Lebailly, P. (2013). "Rural resilience and the role of social capital of Kirundo province farmers in north of Burundi". In 3rd AGRIMBA-AVA Congress **Agribusiness and rural development as a global challenge** (p. 51). Mediterranean University.

31. Nannicini, T., Stella, A., Tabellini, G., & Troiano, U. (2013). "Social capital and political accountability". **American Economic Journal: Economic Policy**, 5(2), 222-250.

32. Norris, P., & Inglehart, R. (2004). "Religious organizations and social capital". **The International Journal of Not-for-Profit-Law**, 6(4).

33. Norris, P., & Inglehart, R. (2011). **Sacred and secular: Religion and politics worldwide**. Cambridge University Press.

34. Portes, A. (2000). **"Social capital: Its origins and applications in modern sociology"**. LESSER, Eric L. Knowledge and Social Capital. Boston: Butterworth-Heinemann, 43-67.

35. Putnam, R. D. (2001). **Bowling alone**. Simon and Schuster.

36. Smidt, C. E. (Ed.). (2003). **Religion as social capital***: Producing the common good*. Baylor University Press.

37. Stone, W., & Hughes, J. (2002). "Social capital: Empirical meaning and measurement validity". **Melbourne: Australian Institute of Family Studies**.

38. Storm, I. (2014). Civic Engagement in Britain: The Role of Religion and Inclusive Values. **European Sociological Review**, jcu077.

39. Stromsnes, K. (2008). "The importance of church attendance and membership of religious voluntary organizations for the formation of social capital". **Social Compass**, 55(4), 478-496.

40. Ugur, E. (2007). **Religion as a source of social capital? The Gülen Movement in the Public Sphere**. *Muslim World in Transition: Contributions of the Gülen Movement*, 152-162.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

41. Welch, M. R., Sikkink, D., Sartain, E., & Bond, C. (2004). "Trust in God and trust in man: The ambivalent role of religion in shaping dimensions of social trust". **Journal for the Scientific Study of Religion**, 43(3), 317-343.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]